

بررسی میزان شیوع افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

دکتر سید نذیر هاشمی *

علی کامکار **

چکیده

جمعیت مورد مطالعه کلیه دانشجویان رشته‌های مختلف چهار دانشکده دانشگاه علوم پزشکی شامل دانشکده پزشکی، دانشکده پرستاری، آموزشکده بهداشت و آموزشکده پیراپزشکی در نیمسال ۷۷-۷۸ بود. ۳۲۱ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردیدند. ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، آزمون استاندارد شده بک (Beck) بود. یافته‌ها نشان داد که میزان شیوع افسردگی ۶۹/۲٪ بود که به ترتیب ۴۱/۲٪ از افسردگی خفیف، ۱۷/۳٪ از افسردگی متوسط، ۶/۴٪ از افسردگی نسبتاً شدید و ۲/۲٪ از افسردگی شدید در رنج می‌باشند.

بیشترین میزان افسردگی مربوط به آموزشکده پیراپزشکی (۷۴/۵٪) و کمترین مربوط به دانشکده پزشکی (۶۰/۸٪) بود؛ بیشترین میانگین نمرات افسردگی در آموزشکده پیراپزشکی با ۱۷/۷ و کمترین میانگین در دانشکده پزشکی با ۱۳/۷ بود. ۶۶/۱٪ دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه غیردرسی داشتند، دارای افسردگی بودند، در صورتی که ۷۳/۶٪ دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه غیردرسی نداشتند، از افسردگی رنج می‌بردند.

۷۵/۳٪ دانشجویانی که آینده شغلی خود را بدو
۷۲٪ دانشجویانی که آینده شغلی خود را متوسط
۶۳/۲٪ دانشجویانی که آینده شغلی خود را خوب
توصیف کرده‌اند، افسردگی داشتند.
بنابراین نداشتن فعالیت فوق برنامه و نداشتن
امید به آینده رابطه نزدیکی با افسردگی خواهد
داشت.

واژه‌های کلیدی: شیوع، دانشجویان،

افسردگی

مقدمه

افسردگی یکی از رایج‌ترین انواع ناراحتیهای اعصاب و روان است که از زمانهای بسیار دور در نوشته‌ها آمده است، ۴۵۰ سال قبل از میلاد، بقراط آن را ملانکولی تعریف کرده است. برخی افسردگی را یک واکنش طبیعی در قبال زندگی می‌دانند و برخی آن را یک بیماری قلمداد می‌کنند (۱ و ۲). افسردگی علاوه بر جنبه ارثی و ژنتیکی اکثراً با عوامل اجتماعی و روانی همراه بوده که

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، دانشکده پزشکی، گروه اعصاب و روان
** مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، گروه توسعه آموزش پزشکی

جامعه آماری آن را ۴۲۱ نفر (۲۰۴ نفر پسر و ۲۱۷ نفر دختر) از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج تشکیل داده است، این دانشجویان در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ در مقاطع دکتری عمومی و کارشناسی و کاردانی، در رشته‌های پزشکی، پرستاری، مامایی، بهداشت محیط، بهداشت عمومی، اتاق عمل و هوشبری مشغول به تحصیل بوده‌اند. به دلیل محدود بودن جامعه آماری، کلیه افراد جامعه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ابزار پژوهش در این مطالعه، آزمون استاندارد شده بک (Beck) است، آزمون مذکور دارای ۲۱ پرسش چند گزینه‌ای بوده که از صفر تا ۳، درجه‌بندی گردیده است. کمترین میزان افسردگی آزمودنی صفر و بیشترین میزان آن ۶۳ است؛ بر اساس سیستم نمره‌گذاری آزمون بک (Beck) نمره‌های صفر تا ۹ در گستره بهنجار و نمره‌های ۱۰ و بیشتر افسرده به شمار می‌روند. به طوری که نمره‌های ۱۰ تا ۱۹ افسرده خفیف، ۲۰ تا ۲۹ افسرده متوسط، ۳۰ تا ۳۹ افسرده نسبتاً شدید، ۴۰ و بالاتر افسرده شدید به شمار می‌روند. علاوه بر پرسشنامه بک، پرسشنامه‌ای که شامل مشخصات دانشجویان از قبیل سن، جنس، وضعیت تأهل، محل زندگی، رشته تحصیلی و سال ورود بود، نیز در اختیار افراد قرار گرفت. اطلاعات و داده‌های آماری فرم‌های جمع‌آوری شده، از طریق نرم افزار Spss و با استفاده از آزمون‌های Chi - square و Student t-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

میزان شیوع افسردگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج ۶۹/۲٪ به دست آمد که به ترتیب ۴۱/۲٪ از افسردگی ضعیف، ۱۷/۳٪ از افسردگی متوسط، ۶/۴٪ از افسردگی نسبتاً شدید و ۴/۲٪ از افسردگی شدید رنج می‌برند

ناشی از وقایع محیط می‌باشد (۲ و ۴). عصر حاضر با توجه به رشد جمعیت و پیچیدگی نظام زیستی انسانها، بحرانها و مشکلات و بیماریهای متعدد را همراه داشته و بیش از پیش دست به گریبان افسردگی است که به نظر می‌رسد شایع‌ترین آشفتگیهای روانی است (۵ و ۴).

دانشجویان با توجه به شرایط خاص خود آسیب‌پذیری بیشتری داشته و در نتیجه احتمال آسیب‌های روانی بیشتری را دارا هستند، بنابراین وجود دانشجویان افسرده موجب تبدیل دانشگاه به محیط سرد و بی‌روح گردیده و در نتیجه جامعه رو به رکود خواهد گذاشت (۶)، یعنی علاوه بر اینکه در این بیماری انسان به عنوان بیمار ضربه می‌بیند، در نهایت جامعه متضرر خواهد شد (۷). معمولاً دانشجویان در زمان تحصیل و در پایان تحصیلات با سه موضوع دلبسته آور (استرس‌زا) روبرو می‌باشند، اول انتخاب شغل و حرفه، دوم ازدواج و انتخاب همسر آینده، سوم نداشتن تفریح (تمایل به درس خواندن یا تمایل به فعالیت فوق برنامه مثل موسیقی) (۸). میزان شیوع افسردگی در زنان ۲-۳ برابر مردان است و در مجردها، بیوه‌ها و مطلقه‌ها بیشتر از متأهلین می‌باشد. طبق مطالعات انجام شده قبل، میزان بروز اختلالات افسردگی اساسی بین بیماران مراجعه کننده به پزشکان عمومی ۱۰٪ و این رقم در بیماران مراجعه کننده به متخصصان داخلی به ۱۵٪ نیز می‌رسد، این در حالی است که فقط نیمی از مبتلایان به اختلالات افسردگی به صورت اساسی تحت درمان قرار می‌گیرند (۹).

این مطالعه وضعیت افسردگی را در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج بررسی می‌کند.

مواد و روشها

این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی است و

(جدول شماره ۱). $(t=2/19, P=0/029)$

بر اساس نتایج مذکور فراوانی افسردگی در پسران ۷۳٪ است که ۲۸/۵٪ از آنان مبتلابه افسردگی متوسط تا شدید می‌باشند، در مقایسه، میزان افسردگی در دختران ۶۵٪ است که ۲۷/۳٪ از آنان مبتلا به افسردگی متوسط تا شدید می‌باشند، از نظر آماری تفاوت معنی داری بین دو جنس مشاهده گردید.

همان طوری که در جدول شماره «۲» نشان داده شده است، بیشترین میزان افسردگی (۷۴/۵٪) در دانشجویان آموزشکده پیراپزشکی و کمترین میزان آن (۶۰/۸٪) در بین دانشجویان دانشکده پزشکی است؛ بیشترین میانگین نمره افسردگی در آموزشکده پیراپزشکی (۱۷/۷) و کمترین میانگین در دانشکده پزشکی (۱۳/۷) است و از نظر آماری تفاوت معنی دار است. میزان افسردگی در دانشجویان بر اساس تأهل مورد بررسی قرارگرفت و وفور آن در ۲۶۳ نفر از افراد مجرد (۶۹/۶٪) و ۲۲ نفر از افراد متأهل (۶۲/۹٪) دیده شد، ولی از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

میزان افسردگی در دانشجویان از نظر وضعیت سکونت (به تفکیک بومی و غیر بومی بودن) نیز مورد بررسی قرار گرفت که وفور آن در ۱۰۶ نفر از غیر بومی‌ها (۶۶/۷٪) و ۲۱۹ نفر از بومی‌ها (۷۰/۷٪) دیده شد، اگر چه از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بر اساس نتایج بدست آمده، از دانشجویانی که فعالیت غیر درسی دارند، ۱۵۲ نفر (۶۶/۱٪) و از دانشجویانی که فعالیت فوق برنامه غیر درسی ندارند، ۱۲۰ نفر (۷۳/۶٪) افسرده بودند که از نظر آماری تفاوت معنی دار بین دو گروه وجود دارد $(t=2/6, P<0/01)$ ، به طوری که دانشجویانی که فعالیت غیر درسی ندارند، از افسردگی بیشتری در

رنج می‌باشند.

طبق جدول شماره «۳»، ارتباط درجات افسردگی دانشجویان و میزان امید به آینده شغلی مقایسه شده است، برای امید به آینده شغلی سه گروه (ضعیف، متوسط، خوب) در نظر گرفته شده است، گروهی از دانشجویان که آینده شغلی خود را ضعیف (بد) پیش بینی کرده‌اند، دارای ۷۵/۳٪ افسردگی بودند و گروهی که آینده شغلی خود را متوسط پیش بینی کرده‌اند، دارای ۷۴٪ افسردگی بودند و گروهی که آینده شغلی خود را خوب توصیف کرده‌اند، ۶۲/۲٪ افسردگی داشتند؛ یعنی دانشجویانی که آینده شغلی خود را ضعیف توصیف کرده‌اند، از افسردگی بیشتری در رنج می‌باشند که از نظر آماری تفاوت معنی داری بین این سه گروه وجود دارد $(X^2=34, P<0/01)$.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های این پژوهش افسردگی از میزان شیوع بالایی در بین دانشجویان برخوردار است، با توجه به نقش دانشجویان در جامعه جهت پویایی، حرکت، جنب و جوش و در دست گرفتن مدیریت آینده کشور، اگر چنین گروهی مبتلا به بیماری افسردگی باشند، نتایج ناگواری را در پی خواهد داشت.

در دو تحقیق که میزان شیوع افسردگی را در خارج از ایران مورد بررسی قرار داده است، میزان شیوع افسردگی در بین دانشجویان پزشکی قبل از شروع دوره اینترنی را در یک گروه ۴۰٪ و در گروه دیگر ۲۳٪ گزارش نموده‌اند و میزان شیوع افسردگی در دوران اینترنی را به ترتیب ۳۰٪ و ۲۷٪ گزارش نموده‌اند (۱۰). تحقیقی در شیراز نشان داد که ۵۳٪ دانشجویان، سالم و ۳۶/۱۳٪ افسردگی خفیف و ۸/۴۹٪ افسردگی متوسط و ۱/۶٪ افسردگی نسبتاً شدید داشتند و افسردگی شدیدی

هنگام تحصیل و پس از آن دچار آشوب و تشویش خاطر برای آینده خود نباشند. یافته‌ها نشان از عدم اختلاف معنی دار افسردگی میان دو گروه بومی و غیر بومی، مجرد و متأهل می‌دهد، که قابل تأمل است، زیرا در مناطق محروم و کوچک، آنقدر مشکلات زیاد و امکانات رفاهی اندک است که هر دو گروه به یک نسبت دچار افسردگی می‌گردند.

تشکر و تقدیر

از همکاری آقایان جان محمد ملک‌زاده و محمد فرارویی از اعضای هیأت علمی دانشگاه و همچنین دانشجویان محمد رضا مرواریدی و طالب نظری که در تهیه و تدوین طرح مذکور تلاش فرمودند، سپاسگزاری می‌نمایم.

اعلام نشد(۸).

تحقیقی در ایلام نشان داد که ۳/۳۵٪ دانشجویان، سالم و ۴۱٪ افسردگی خفیف و ۱۸/۸٪ افسردگی متوسط و ۲/۵٪ افسردگی نسبتاً شدید و ۱/۴٪ افسردگی شدید داشتند(۶).

تحقیقی دیگر در اهواز نشان از وجود ۵۵٪ دانشجویان سالم، ۳۴/۵٪ افسرده خفیف، ۸/۵٪ افسرده متوسط، ۱/۵٪ افسرده نسبتاً شدید و ۰/۵٪ افسرده شدید داشت(۱۱).

به طور کلی طبق پژوهشهای انجام شده، میزان افسردگی در زنان بیشتر از مردان است، ولی در این پژوهش میزان افسردگی در مردان از زنان بیشتر است و این خود زنگ خطری برای بررسی بیشتر می‌باشد. میزان افسردگی در دانشجویان پیراپزشکی و بهداشت بیشتر از دانشجویان پزشکی و پرستاری است، این یافته دارای اهمیت خاصی است، از این جهت که گروه پیراپزشکی که در بیمارستانها و اتاقهای عمل نقش مهمی داشته و در گروه بهداشت که پیشگامان تندرستی بوده و در سلامتی جامعه و انسانها نقش مهمی دارند، باید مورد توجه و بررسی بیشتری قرار گیرند.

یافته‌های این پژوهش حاکی از کاهش افسردگی در میان دانشجویانی است که دارای فعالیت فوق برنامه می‌باشند، بنابراین می‌بایستی مسئولین امر در به وجود آوردن زمینه‌ها و امکانات فعالیتهای فوق برنامه گامهای مؤثری بردارند تا علاوه بر بهبود افسردگی، توانایی‌های تحصیلی آنها بالاتر برود.

دانشجویانی که امید به آینده بهتر داشته و یا آینده شغلی خود را بهتر می‌دانند، از افسردگی کمتری در رنج می‌باشند، بنابراین مسئولین امر و خانواده‌ها لازم است راهنماییهای لازم جهت انتخاب رشته را از همان ابتدای ورود به دانشگاه برای فرزندان و دانش آموزان انجام دهند تا در

10- Chan DW. Depressive symptoms and depressed mood among Chinese medical students in Hong Kong. *Compr Psychiatry* 1991;32(2):170-8.

۱۱- احمدی، ج. میزان افسردگی در دانشجویان پزشکی اهواز، ۱۳۷۱. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال اول (شماره ۴)، ۱۳۷۴، ۶-۱۲.

References

1- Kaplan HI, Sadock BJ. Mood disorder. *Synopsis of psychiatry*. 6th edition, 1991; 303-89.

۲- کوزه، گ. و دیگران. تشخیص بیماریهای روانی. ترجمه نصرت الله پورافکاری، تبریز، انتشارات نوقی.

۳- مینار. زن و افسردگی. *مجله روانپزشکی*، سال دوم (شماره ۹)، ۱۳۵۶، ۱۹-۲۰۸.

۴- خیرآبادی، ع. و دیگران. بررسی شیوع افسردگی و عوامل مستعد کننده آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۷۶. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، سال دوم (شماره ۶)، ۱۳۷۶، ۳-۸.

۵- صالحی خواه، ع. افسردگی از دیدگاه اسلام. *نشریه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*، سال اول (شماره سوم)، ۱۳۷۳، ۱۰-۱۳.

۶- ترابی نیکجه، م. بررسی میزان افسردگی در دانشجویان مؤسسات آموزشی عالی ایلام. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، (شماره ۱۴)، ۲۱-۳۱.

7- Lindeman S, et al. A systematic review on gender specific suicide mortality in medical doctors. *Br J Psychiatry* 1998; 168: 274-9.

۸- فخرایی، س. عوامل اجتماعی مؤثر در افسردگی در دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان نامه فوق لیسانس، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱.

9- Kaplan HI, Sadock BJ. Mood disorders In *comprehensive. textbook of psychiatry*, 6th edition, vol 1. Williams & Wilkins 1995; p.1067-1178.

جدول ۱: نسبت فراوانی و شفاف‌های پراکندگی درجه‌های افسردگی، به تفکیک جنس در دانشجویان علوم پزشکی یاسوج، زمستان ۷۶

انحراف معیار	میانگین	کل	افسردگی		افسردگی متوسط	افسردگی خفیف	سال	افسردگی	
			شدید	نسبتاً شدید				جنس	تعداد
۱۱/۷	۱۶/۸۸	۲۰۴	۱۳	۱۲	۲۴	۹۱	۵۵	مرد	تعداد
								(۶/۳)	(۵/۳)
۹/۹۸	۱۴/۵۶	۲۱۷	۵	۱۵	۲۹	۸۲	۷۵	زن	تعداد
								(۲/۳)	(۶/۹)
۱۰/۹۱	۱۵/۶۸	۳۲۱	۱۸	۲۷	۷۳	۱۷۳	۱۳۰	کل	تعداد
								(۴/۲)	(۶/۳)

$t=۲/۱۹$, $df=۴۱۹$, $P = ۰/۰۲۹$

جدول ۲: نسبت فراوانی و شفاف‌های پراکندگی درجه‌های افسردگی به تفکیک دانشکده‌ها در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، زمستان ۷۶

انحراف معیار	میانگین	کل	افسردگی		افسردگی متوسط	افسردگی خفیف	سال	افسردگی	
			شدید	نسبتاً شدید				دانشکده	تعداد
۱۰/۷۱	۱۲/۷۳	۸۶	۵	۲	۷	۲۸	۳۳	پزشکی	تعداد
								(۵/۸)	(۲/۳)
۹/۲۳	۱۴/۳۷	۱۱۴	۱	۶	۲۴	۲۵	۲۸	پرستاری	تعداد
								(۱/۹)	(۵/۳)
۱۲/۰۷	۱۷/۷	۱۰۲	۷	۸	۲۰	۴۱	۲۶	پیراپزشکی	تعداد
								(۶/۹)	(۷/۸)
۱۱/۲۲	۱۶/۳۳	۱۱۹	۵	۱۰	۲۲	۵۰	۳۲	بهداشت	تعداد
								(۳/۲)	(۸/۳)
۱۰/۹۱	۱۵/۶۸	۳۲۱	۲۸	۲۶	۷۳	۱۷۳	۱۳۰	کل	تعداد
								(۴/۲)	(۶/۳)

$f.ratio=۲/۹$, $df=۳$, $P = ۰/۰۳$

جدول ۳: نسبت فراوانی و شاقص‌های پراکندگی درجه‌های افسردگی بر مبنای امید به آینده شغلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، زمستان ۷۴

انحراف معیار	میانگین	کل	افسردگی شدید	افسردگی نسبتاً شدید	افسردگی متوسط	افسردگی خفیف	سالم	افسردگی آینده شغلی
۴۱/۷۲	۱۹/۷۹	۸۹	۱۲	۷	۱۲	۲۶	۲۲	تعداد ضعیف
		(۲۱/۳)	(۱۳/۵)	(۷/۹)	(۱۲/۵)	(۴۰/۴)	(۲۴/۷)	(درصد)
۹/۸۴	۱۶/۶۸	۱۲۰	۴	۶	۲۰	۲۹	۳۱	تعداد متوسط
		(۲۸/۷)	(۳/۳)	۵	(۲۵)	(۴۰/۸)	(۲۵/۸)	(درصد)
۸/۹۴	۱۳/۳۵	۲۰۹	۲	۱۳	۲۰	۸۷	۷۷	تعداد خوب
		(۵۰)	(۱)	(۶/۲)	(۱۳/۳)	(۴۱/۶)	(۳۶/۸)	(درصد)
۱۰/۹۵	۱۵/۶۸	۴۱۸	۱۸	۲۶	۷۲	۱۷۲	۱۳۰	تعداد کل
		(۱۰۰)	(۴/۳)	(۶/۲)	(۱۷/۲)	(۴۱/۸)	(۳۱/۸)	(درصد)

$$X^2=۳۴, df=۵۸, P < ۰/۰۱$$

A Study on the Prevalence of Depression in Students of Yasuj University of Medical Sciences

Hashemi N. M.D.*, Kamkar A. M.S.**

Abstract

The Cases included in this study were health and medical students of Yasuj University of Medical Sciences in one semester of 1377-1378. 241 students were selected by class random sampling. The measurements were based on the standard test of Beck.

The findings showed that the incidence of depression (in terms of percentage) was 69.2% that included 41.2% mild, 17.3% moderate, 6.4% relatively severe and 4.2% severe cases of depression.

The majority of cases with depression were observed in paramedical students (74.5%) and the least cases of depression were seen in medical students (60.8%). The maximum average of depression rate related to paramedical students was 17.7 and the minimum average of depression in medical students was 13.7. There was a significant difference in the rate of depression in students with or without extra-curricular activities. 73.6% of students who had no extra-curricular activities had depression while 66.1% of students who had extra-curricular activities suffered from depression.

75.3% of students who had a poor job outlook suffered from depression while 63.2% of the students with a very good job outlook, had depression. 74% of students, with a moderate job outlook suffered from depression.

Key words: Student, Depression, Incidence.

* M.D. Psychiatrist, Yasuj University of Medical Sciences

** M.S. in Psychology, Yasuj University of Medical Sciences